

هو
الملك لله

ابوالحسن على بن موسى الرضا عليه التحية والثنا

بندۀ شاه ولايت عباس

اللهم صلى على النبي والوصى والبتول والسبطين والسجاد والباقر
والصادق والكاظم والرضا والتقوى والنقى والزكى والمهدى

فرمان همايون شد آنکه چون همواره نيت صافى طويت همايون
ماترفيه حال و رعايت و مراقبت احوال سادات عالي درجات که ذريۀ طيبۀ
خاندان رسالت و نبوت و دوحۀ برومند رياض ولايت و امامت اند سيما
جمعى که بزبور فضل و صلاح آراسته و به حليۀ تشيع و تقوى و فلاح پير استه
باشند به اعلى درجه متعلق و مصروف است و در اين اوقات که در مشهد
مقدس معلى بطواف و زيارت روضه مقدس و منور حضرت امام الجن
والانس (در متن سفيد مانده است ، جاى عبارت ابوالحسن على بن موسى -
الرضا عليه الحيه و الثناست) مشغول بوديم سيادت و فضيلت پناه امير
كمال الدين محمود طالقانى بشرف بساط بوسى محفل خلد آئين مشرف
گشته و بمسامع جلال رسانيد که مبلغ بيست و هشت هزار و پنجاه دينار
تبريزى از بابت مال و جهات قريۀ «سوهان» برين موجب بسيورغال
مشاراليه و اولاد او مقرر بوده و در معامله يونت ئيل قطع شد نقد

و جنس تيول غلامان خاصه شريفه مقرر گشته و حالا
تيول آغورلوبيك غلام خاصۀ شريفه مقرر است و مستوفيان عظام

گرام دیوان اعلی را بر طبق این معنی تصدیق نمودند و نواب
همایون ماخود بنفس نفیس و حقیقت سیورغال مشارالیه باز رسیدیم و
استحقاق و استعداد فضل و تقوی و رشاد او بر ضمیر منیر شرف ظاهر شد از
از ابتدای پارس نایل مبلغ مزبور را دانسته از تیول آغورلوبیک مذکور
تغییر داده بدستور سابق بسیورغال سیادت و فضیلت پناه مومی الیه و اولاد
او عنایت و مرحمت فرموده ارزانی داشتیم . کدخدایان و رعایای قریه
مزبور سیادت پناه مشارالیه و اولاد او را صاحب سیورغال مزبور دانسته
سال بسال وجه سیورغال ایشان را موافق معمول واصل و عاید گرداند و
هیچ آفریده‌ای از حکام و داروغگان و تیول داران و عمال و مالکان
و غیر ذلک مدخل در سیورغال مشارالیه و اولاد او ننموده پیرامون
نگردند و بخلاف حکم اشرف حواله و اطلاقی ننمایند . مستوفیان عظام
دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خود ثبت نموده اصلاً تغییر و
تبدیل بقواعد آن راه ندهند و از شوائب استرداد مصون و محروس
شمرند و در این باب قدغن دانسته از فرموده در نگذرنند و هر ساله حکم
مجدد نطلبند .

تحریراً فی شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال، سنة عشر و الف ۱۰۱۰